



ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

179

Case No. 227

Date of filing: 30/12/91

** AWARD - Type of Award _____
- Date of Award _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of and on of Mr Brower

- Date 1 July 91
_____ pages in English 12 pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
DISSENTING AND CONCURRING OPINION

دیوان داورى دعوى ایران - ایالات متحدہ

Case No. 227

Chamber Three

پرونده شماره ۲۲۷

شعبه سه

حکم شماره ۳ - ۲۲۷ - ۵۱۴

DUPLICATE
 ORIGINAL

نسخه برابر اصل

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان داورى دعوى ایران - ایالات متحدہ
FILED	ثبت شد
DATE	30 DEC 1991
	تاریخ ۱۲۲۰ / ۱۰ / ۹

ایستمن کداک کامپنی،

خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران،

خوانده.

English version

Filed on 1 JUL 1991

نسخه انگلیسی در تاریخ ۱۲۲۰ / ۷ / ۱

ثبت شده است.

نظر موافق و مخالف قاضی براوئر

۱ - در نظر موافق و مخالف خود با حکم جزئی شماره ۳-۱۲۳۸۴-۲۲۷-۳۲۹ مورخ ۲۰ آبانماه ۱۳۶۶ [۱۱ نوامبر ۱۹۸۷] صادره در پرونده ایستمن کداک کامپنی و سایرین و دولت ایران و سایرین، منتشره در 17 Iran-U.S. C.T.R. 153,173، با این یافته دیوان موافقت کردم که ایران بابت "اقدامات مؤثر بر حقوق مالکیت [خواهان] در رنگیران، در برابر خواهان مسئول است. من "برای احراز اکثریت جهت ادامه رسیدگی، که هنوز ممکن است باعث شود خواهان تاحدی به حق خود برسد" [با حکم] موافقت کردم. نظر موافق و مخالف قاضی براوئر، زیرنویس ۸. متأسفانه

تصمیم دیوان در این حکم نهایی باعث شده است که میزان غرامت ایستمن کداک بابت زیانی که بر اثر دخالت ایران در رنگیران متحمل شده، به گونه نامعقولی ناچیز باشد. با اینوصف، بار دیگر برای احراز اکثریت ناگزیریم [با حکم] موافقت کنم تا خواهان بتواند حداقل بخشی از غرامتی را که بابت زیانهای متحمل شده استحقاق دارد دریافت نماید.

یک

۲ - در نظر موافق و مخالف خود با حکم جزئی تأکید کردم که باتوجه به دخالت ایران در امور رنگیران، این شرکت باید به عنوان یک شرکت تحت کنترل تلقی گردد. حکم نهایی حاضر تصدیق می‌کند که ایستمن کداک بر اثر مداخله ایران، حداقل بخشی از کنترل خود یعنی "کنترل اداره روزمره" [شرکت] را از دست داد. بند ۳۳ حکم نهایی. علاوه بر آن، حکم نهایی نتیجه می‌گیرد که از دست دادن این بخش از کنترل منجر به انحلال زودرس رنگیران شد و انحلال موجب شد که ایستمن کداک متحمل خساراتی شود که در غیر آن صورت متحمل نمی‌شد. (۱) من موافقم که دخالت ایران، عمر رنگیران، شرکت فرعی کاملاً متعلق به ایستمن کداک، را کوتاه کرد و موجب انحلال زودرس رنگیران و ورود خسارات تبعی به ایستمن کداک گردید. لیکن، با برآوردی که از خسارت ایستمن کداک در حکم نهایی شده مخالفم.

(۱) من وارد این بحث نمی‌شوم که آیا از دست دادن "کنترل اداره روزمره" می‌تواند در واقع امر چیزی جز از دست دادن کنترل باشد به نحوی که رنگیران می‌بایست طبق بیانیه حل و فصل دعاوی واحدی تحت کنترل تلقی می‌شد. لیکن نظر خود را مجدداً اعلام می‌کنم که به صرف آنکه "خواهانها توانستند آخر الامر بنحو آبرومندانه‌ای ترتیب دفن شرکت از بین رفته خود را بدهند [یعنی آن را رسماً منحل نمایند]... نباید موجب تبری کسانی گردد که متهم به نابود کردن شرکت هستند." بند ۲۱ نظر موافق و مخالف.

۳ - اولاً، هیچ دلیلی برای این رأی مندرج در حکم نهایی نمی‌بینم که به موجب آن بررسی خسارات متحمل‌ه ایستمن کداک محدود به پاره‌ای وام‌های بین شرکتی باشد و در نتیجه هر نوع سود از دست رفته‌ای را که رنگیران احتمالاً برای ایستمن کداک ایجاد می‌نمود بکلی از میزان برآورد خسارات خارج شود. دیوان در حکم جزئی خود، اتخاذ تصمیم راجع به این موضوع را که آیا "اقدامات مؤثر بر حقوق مالکیت" از طرف ایران موجب ورود خسارت به "حقوق مالکیت" ایستمن کداک گردید یا خیر، به حکم نهایی موکول کرد. بندهای ۵۹ تا ۶۱ حکم جزئی. بدیهی است منافع مالکانه ایستمن کداک در رنگیران آن درآمدهای مالی را که منطقیاً از شرکت فرعی خود انتظار داشت در بر می‌گرفت.

۴ - حکم نهایی نتیجه می‌گیرد که "بین مداخله ایران، حال شدن دیون بالقوه و از دست رفتن هرگونه امکان وصول آن مبلغ توسط ایستمن کداک، رابطه سببیت ناگسسته‌ای وجود داشته است"، و علاوه بر آن اذعان دارد که با انحلال زودرس رنگیران، "ایستمن کداک امکان کسب درآمد آتی برای پرداخت دیون بین شرکتی را از دست داده." حکم نهایی بندهای ۴۱-۴۲ (خط تأکید اضافه شده است). با اینوصف، حکم نهایی از دست رفتن منافع آتی را در نظر نمی‌گیرد. (۲) بدینترتیب،

(۲) دیوان در پرونده دیگری که موضوع آن دخالت در حقوق مالکانه بود، در موقع برآورد خسارات قابل وصول خواهان، حکم مشابهی برای خسارات (سود سهام) [خواهان] صادر نمود. رجوع کنید به: صفحات ۳۰ تا ۳۵ (انگلیسی) حکم شماره ۱-۲۳۱/۳۷-۲۲ مورخ ۲۱ فروردین ماه ۱۳۶۵ [دهم آوریل ۱۹۸۶] صادره در پرونده فورموست تهران، اینکوریوریتد، و سایرین و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین منتشره در 10 Iran-U.S. C.T.R. 228, 251-53. علاوه بر آن، دیوان در برآورد خسارت پرونده‌های مصادره، همواره منافع آتی را منظور می‌کند. به عنوان مثال رجوع کنید به: حکم شماره ۲-۳۹-۴۲۵ مورخ هشتم تیرماه ۱۳۶۸ [۲۹ ژوئن ۱۹۸۹] صادره در پرونده فیلیپس پترولیوم کامپنی ایران و جمهوری اسلامی ایران و سایرین، منتشره در 21 Iran-U.S. C.T.R. 79 (دیوان از جمله منافع خالص آتی را برای تعیین (ادامه زیرنویس در صفحه بعد)

حکم نهایی در عین حال که طبق نظر حکم جزئی قبول می‌کند که دیوان باید "توجه خود را منحصر" به آن زیانهای معطوف کند که ایستمن کداک به عنوان سهامدار عمده [رنگیران] متحمل گردیده" بند ۴۳ حکم نهایی، و نیز بند ۷۴(د) حکم جزئی، با اینحال، این موضوع را که آیا مداخله مورد بحث موجب آن شد که ایستمن کداک به عنوان سهامدار عمده امکان بالقوه کسب درآمد از شرکت فرعی خود را از دست بدهد یا خیر، بکلی نادیده می‌گیرد.

۵ - به نظر من روشن است که دخالت ایران و به دنبال آن انحلال زودرس [رنگیران]، این احتمال مسلم را که رنگیران سالیان زیادی با سودآوری عمل خواهد کرد از بین برد. باتوجه به اینکه رنگیران ظرف سه سال اول تأسیس خود فروش قابل ملاحظه‌ای داشته و تقریباً ۲۶ درصد از بازار محصولات عکاسی ایران را به دست

(ادامه زیرنویس (۲) از صفحه قبل)

ارزش عادلانه شرکت در بازار منظور می‌کند)، حکم شماره ۱-۲۴-۳۱۴ مورخ ۲۳ مردادماه ۱۳۶۶ [۱۴ اوت ۱۹۸۷] صادره در پرونده استارت هاوزینگ کوریوریشن و سایرین و دولت جمهوری اسلامی ایران منتشره در 112 Iran-U.S. C.T.R. 16 (دیوان ازجمله سود ناخالص شرکت را در ارزشیابی خود منظور می‌کند)، حکم شماره ۳-۵۶-۳۱ مورخ ۲۳ تیرماه ۱۳۶۶ [۱۴ ژوئیه ۱۹۸۷] صادره در پرونده آموکو اینترنشنال فایننس کوریوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران منتشره در 15 Iran-U.S. C.T.R. 189,289 (براوثر موافق) (دیوان باید در تعیین غرامت برای صادره یک شرکت، منافع آتی قابل انتظار آن را در نظر بگیرد)، حکم شماره ۲-۹۹-۲۱۷ مورخ ۲۸ آسفندماه ۱۳۶۴ [۱۹ مارس ۱۹۸۶] صادره در پرونده فلیس داج کوریوریشن و اورسیز پرایوت اینوستمنت کوریوریشن و جمهوری اسلامی ایران منتشره در 10 Iran-U.S. C.T.R. 122 (دیوان در تعیین میزان خسارت بابت از دست دادن اموال خواهان، منافع آتی و نااطمینانیهای مربوط به آن را در نظر گرفت)، حکم شماره ۳-۲-۹۳ مورخ ۲۸ آذرماه ۱۳۶۲ [۱۹ دسامبر ۱۹۸۳] صادره در پرونده امریکن اینترنشنال گروپ و جمهوری اسلامی ایران منتشره در 4 Iran-U.S. C.T.R. 96,109 (شرکت را به عنوان یک شرکت دایرارشیاپی می‌کند، و "نه تنها ارزش خالص دفتری داراییهای شرکت، بلکه عواملی چون شهرت تجاری و سودآوری احتمالی شرکت در آینده بااین فرض که شرکت زیر نظر مدیران سابق آن ادامه فعالیت می‌داد نیز ملحوظ می‌گردد".

گرفته و بازار آن از سال ۱۹۷۹ گسترش یافته بود، (۳) و باتوجه به اینکه مورد حمایت شرکت جافتاده و موفق بود مانند ایستمن کداک با کادر متبحر آن در سطح جهانی و با کلیه امکاناتی که می‌توانست مستقیماً یا از طریق شرکتهای فرعی به خدمت منافع رنگیران درآورد، سندی در سوابق پرونده وجود ندارد که نشان دهد اگر دخالت مورد بحث نبود، رنگیران شرکت موفق نمی‌شد. بدین ترتیب، با اینکه رنگیران به عنوان یک شرکت نوپا سابقه ممتد سودآوری نداشت، (۴) ولی حاصل واقعی کار آن، همراه با حجم بازار ایران برای فرآورده‌های آن و توانایی مسلم و ثابت شده ایستمن کداک در تسلط به چنین بازاری، کافی بود که چنان امکان بالقوه سود دهی پدید آورد که از مرز حدس و گمان فراتر رفته و به صورت یک احتمال قوی باشد. لیکن حکم نهایی این موضوع را حتی مطرح نمی‌کند. من خسارت ناشی از خسران امکان سودآوری رنگیران را بررسی و خسارات را براساس آن برآورد می‌کردم.

۶ - ثانیاً، حکم نهایی از پرداخت غرامت خواهان بابت زیانهای مربوط به پاره‌ای پیش‌پرداختهای تجاری خودداری می‌نماید. با کمال احترام مایلم مخالفت خود را با این امر ابراز نمایم. حکم نهایی در مورد پیش‌پرداختهای نقدی بلند مدت که رنگیران به ایستمن کداک بدهکار بود، نتیجه می‌گیرد که این پیش‌پرداختها "در حکم

(۳) خواهان با نقل از آمار سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی ("اوسای-سی-دی") اطلاعات واقعی بازار محصولات متعارف عکاسی ایران را برای سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵ ارائه نمود. ارقام اوسای-سی-دی نشان می‌دهد که حجم بازار محصولات عکاسی ایران در سال ۱۹۸۴ نسبت به سال ۱۹۷۹ به بیش از دو برابر رسید و در سال ۱۹۸۵ ثابت ماند.

(۴) همانطور که در بند ۱۳ زیر بحث خواهد شد، رنگیران اولین سود سه ماهه خود را در سه ماهه دوم سال ۱۹۷۹ به دست آورد با آنکه این دوره مصادف با بحبوحه انقلاب در ایران بود.

سرمایه‌گذارهای دراز مدت ایستمن کداک در شرکت تابعه خود بوده که آن شرکت به عنوان سهامدار اکثریت انجام داده است،" و بنابراین در حکم نهایی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بند ۴۹ حکم نهایی. من با آن موافقم، لیکن حکم نهایی در مورد پیش‌پرداختهای تجاری (یعنی اعتباراتی) ایستمن کداک و شرکتهای فرعی آن نظر داده است که "هرچند که امکان بازپرداخت این دیون نیز در نتیجه انحلال رنگیران از دست رفت، ولی به نظر دیوان اینگونه زیانها به صورتی نیست که طبق مدلول بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، خسارت وارده به حقوق مالکانه متعلق به ایستمن کداک به عنوان سهامدار رنگیران محسوب شود." بند ۴۵ همان ماعخذ. من با این نظر مخالفم.

۷ - تحت شرایط مذکور، من چنان وجه تمایزی بین پیش‌پرداختهای نقدی و پیش‌پرداختهای جنسی یا خدمات اعتباری نمی‌بینم که پذیرش دسته اول را به عنوان سرمایه‌گذاری توجیه کند ولی این عنوان را برای دسته دوم قابل نشود. در برآورد خسارت وارده به حقوق مالکانه ایستمن کداک به عنوان سهامدار اکثریت هر دو دسته باید منظور گردد زیرا هر دوی آنها در ماهیت و از دیدگاه عملی و واقعی، اشکال مختلف سرمایه‌گذاری ایستمن کداک و شرکتهای کاملا وابسته به آن در شرکت "نوپا" و فرعی رنگیران بودند.

۸ - ایستمن کداک به عنوان شرکت مادر می‌توانست وجوه نقدی پیش‌پرداخت یا کالا و خدمات را به اقتضای سیاست خاص خود از محل منابع خود یا منابع سایر شرکتهای وابسته، برای رنگیران تأمین نماید. به عنوان مثال ایستمن کداک اظهار داشته است که "وامهای راه اندازی را خود شخصا به رنگیران داده" ولی اینکه "رنگیران اکثر موجودی فروش مجدد خود را از [ایستمن کداک اینترنشنال سلیز کامپنی، اینک.]، آن شرکت وابسته ایستمن کداک که معمولا محصولات کداک را از امریکا به شرکتها و توزیع کنندگان آن در خارج از کشور صادر می‌نموده" خریداری می‌کرده

است. بررسی ترازنامه رنگیران برای سالهای مالی ۱۹۷۷ تا ۱۹۷۹ نشان می‌دهد که پیش‌پرداختهای نقدی و تأمین کالا و خدمات به رنگیران بلاوثیقه بوده است. پیش‌پرداختهای تجاری شرکتهای وابسته به کداک، بزرگترین قلم واحد بدهیهای رنگیران در سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ بوده تا اینکه ایستمن کداک در سال ۱۹۷۹ پیش‌پرداخت نقدی قابل ملاحظه‌ای در اختیار رنگیران قرار داد. القای این مطلب که اعتبارات بلاوثیقه در چنان سطحی "بدون توجه به روابط داخلی [طرفین]" انجام گرفته است، باور نکردنی است. بند ۴۵ حکم نهایی. نسبت اعتبارات فوق و نیز نسبت پیش‌پرداختهای نقدی "در مقایسه با دارایی شرکت به گونه نامتناسبی بالا است" و هر دو "بدون وثیقه‌اند." بند ۴۹ همان مآخذ. علاوه بر آن زیرنویسهای اظهارنامه‌های مالی برای سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ تحت عنوان "بدهیهای تجاری به شرکتهای وابسته" بوضوح اظهار می‌دارد که پیش‌پرداختهای تجاری مزبور "اکثراً شامل اقلام خریداری از ایستمن کداک اینترنشنال سیلز کامپنی، اینکورپوریتد، شرکت وابسته و کلا" متعلق به ایستمن کداک کامپنی، اینکورپوریتد، ایالات متحده است." در زیرنویسهای اظهارنامه سال ۱۹۷۹ زیر سرفصل "بدهی به شرکتهای کداک"، ریز اقلام بدهیهای تجاری رنگیران به هر یک از شرکتهای وابسته ایستمن کداک نقل شده است. براین اساس، بسادگی مشهود است که طرفهای این معاملات در تأمین وجوه معتنا به نقدی و کالاها و خدماتی که رنگیران در سه سال اول عملیات خود از آن استفاده می‌کرد به "روابط شرکتی در بین خود" و به تصمیمات مدیریت مرکزی که بوسیله ایستمن کداک، شرکت مادر، اتخاذ می‌گردید "متکی بودند." (۵) همچنین رجوع کنید به: بند ۴۹ همان مآخذ.

(۵) این واقعیت که ایستمن کداک در اثبات دعوای خود تخییراً اظهار داشته که "کالاها و خدمات طبق روابط عادی بازرگانی بین خواهانها و رنگیران تأمین می‌شده" منافاتی با نظر پیشنهادی من ندارد.

اگر من بודم مبلغی در حدود ۱،۶۳۹،۷۶۹ ریال (یا ۲۳،۲۶۲ دلار آمریکا به نرخ هر دلار برابر ۷۰/۴۹ ریال) در بدهیهای خالص جاری رنگیران به ایستمن کداک منظور می‌کردم و علاوه بر آن، مبلغی معادل پیش‌پرداختهای تجاری که رنگیران به شرکتهای فرعی کاملاً متعلق به ایستمن کداک بدهکار بود یعنی جمعا" در حدود ۱۱۵،۱۰۶،۰۱۲ ریال (یا ۱،۶۳۲،۹۴۱ دلار آمریکا به همان نرخ) به حساب می‌آوردم. از آنجا که شرکتهای فرعی، کلا" متعلق به ایستمن کداک یعنی شرکت مادر می‌باشند، هر زیانی که متحمل شوند بالمآل به ایستمن کداک برمی‌گردد.

۹ - بطور خلاصه، سوابق پرونده می‌بایست هر تصویری را دایر بر آنکه پیش‌پرداختهای تجاری صرفاً "معاملات غیر محاباتی" انجام شده "در جریان عادی داد و ستد" بوده، زایل می‌کرد. بند ۴۵ حکم نهایی. برعکس، سوابق پرونده موعید این نظر است که پیش‌پرداختهای مزبور بخشی از "حقوق مالکانه" متعلق به ایستمن کداک به عنوان دارنده اکثریت سهام بوده است.

دو

۱۰ - مهمترین نکته‌ای که باید مطرح گردد اینست که به نظر من "تعدیل ۵۰ درصد" ارزش کل سفته‌ها (به انضمام بهره متعلقه از تاریخ مداخله) باعث شده است که غرامت پرداختی به ایستمن کداک بابت زیان محتمله به میزان نا معقول و نادرستی قلیل باشد. به بیان ساده تر، پنجاه درصد کاهش، افراط گزانه بوده و با سوابق پرونده تائید نمی‌شود.

۱۱ - طبق رویه حکم نهایی، تنها متغیری که در تعیین مبلغ مناسب حکم به خواهان باید دقیقاً بررسی شود وجود این خطر بود که ایستمن کداک در تاریخ مداخله، یعنی نوامبر ۱۹۷۹، کل مبالغ اصلی پیش‌پرداختها به اضافه بهره قراردادی متعلقه را از رنگیران دریافت نکند. به نظر من این خطر به مراتب کمتر از ۵۰ درصد بود.

۱۲ - سوابق موجود پرونده در اینمورد تا حدودی یکجانبه است. با اینکه خواهان مدارک بیشماری در تائید این موضع خود تسلیم کرده که رنگیران در ایران یک شرکت موفق بوده و همچنان باقی می‌مانده، خواننده در رد این نکته سندی ارائه نکرده است. بدین ترتیب، حکم نهایی، مدارک موجود در سوابق پرونده را، با قبول این گمان که شرایط غیر قابل پیش‌بینی آینده در ایران موفقیت رنگیران را به مخاطره

می انداخت، نادیده گرفت. (۶) نظر من در این مورد از واقعیت‌های فوق در ارتباط با سودآوری آتی رنگیران نشئت می‌گیرد. جا دارد که این واقعیتها تکرار شود.

۱۳ - رنگیران یک شرکت فرعی و کلا "متعلق به ایستمن کداک و تابع تصمیمات مدیریت آن بود. بدین ترتیب، ایستمن کداک قادر بود آثار تورم و سایر عواملی را که احیاناً در ارزش نسبی پیش‌پرداختهای اعطایی به رنگیران موثر بود، زایل سازد. (۷) قطع نظر از امر مداخله، (که دیوان نباید در تعیین این که آیا ایستمن کداک کلیه پیش‌پرداختهای خود را دریافت می‌کرد یا خیر، در نظر گیرد) تنها عاملی که ایستمن کداک نمی‌توانست کاملاً کنترل کند، این خطر بود که رنگیران

(۶) بازار محصولات عکاسی ایران بعد از سال ۱۹۷۹ گسترش یافت، با اینکه ایران درگیر جنگ با عراق بود. رجوع کنید به: زیرنویس ۳ بالا.

(۷) در رابطه با اینکه تورم و ارزش پول با مرور زمان عواملی بودند که طبق نظر مندرج در حکم نهایی احیاناً ارزش نسبی سفته‌های ایستمن کداک را کاهش می‌دادند، دو مورد را باید در نظر گرفت. اول اینکه، در سال ۱۹۷۹ انتظار می‌رفت که تورم در دراز مدت کمتر شود و نه آنکه افزایش یابد. به عنوان مثال، مقایسه نرخ سه ماهه (۱۰/۲۱ درصد) با نرخ پنج ساله (۹/۴ درصد) اوراق خزانه‌داری ایالات متحده (که نسبتاً بدون خطر هستند) نشان می‌دهد که تعهدات طولانی تر حاوی احتمال کاهش تورم بود. بنابراین هشت درصد بهره پیش‌پرداختهای بلند مدت ایستمن کداک به رنگیران را می‌توان تقریب معقولی از انتظارات بلند مدت در آن زمان از لحاظ ارزش زمانی پول محسوب کرد. دوم اینکه، اگر فرض شود که تورم اضافه یا کم می‌شود، نکته حائز اهمیت اینست که رنگیران شرکت فرعی کاملاً متعلق به ایستمن کداک و تابع تصمیمات آن بود. بنابراین ایستمن کداک در هر زمانی می‌توانست اقدام لازم در رفع آثار تورم بر پیش‌پرداختها به عمل آورد. به عنوان مثال اگر تورم افزایش می‌یافت و آثار نامطلوبی از لحاظ نرخ بهره پیش‌پرداختها به وجود می‌آورد، ایستمن کداک می‌توانست دست به اقدامات مختلفی برای خنثی کردن این آثار بزند مانند اینکه پیش‌پرداختها را با بهره قراردادی بالاتری تجدید یا به سهام سرمایه‌ای منتقل یا حتی به سرعت بیشتر پرداخت نماید. خریدار هر یک از این پیش‌پرداختها، اگر شخص ثالثی می‌بود، می‌بایست روند تورم را در نظر می‌گرفت زیرا قادر به تغییر نرخ بهره قراردادی، نبود، لیکن ایستمن کداک به عنوان شرکت مادر رنگیران می‌توانست نرخ بهره را در هر زمان تغییر دهد. علاوه بر آن، کاملاً منطقی و معقول است که فرض شود ایستمن کداک مانند یک عامل معقول اقتصادی عمل می‌کرد و کلیه اقدامات لازم را برای حفظ ارزش سرمایه‌گذاری خود در رنگیران که به صورت پیش‌پرداخت بود به عمل می‌آورد تا هرگونه آثار تورم زایل شود.

تواند در آمد کافی برای بازپرداخت پیش‌پرداختهای فوق تحصیل نماید. لیکن سوابق پرونده نشان می‌دهد با آنکه رنگیران ظرف سه سال اول عملیات خود با زیان روبرو بود با اینحال، اولین سود سه ماهه خود را در سه ماهه دوم سال ۱۹۷۹ تحصیل کرد و قبل از مداخله ایران نسبت سرمایه‌های جاری به بدهیهای جاری آن مثبت شد. همانطور که در بالا اشاره شد، رنگیران طی سه سال اول عملیات خود، موفق شد حجم معتناهایی از فروش کالاهای عکاسی و سهم عمده‌ای از این کالاها در ایران به دست آورد. علاوه بر آن رنگیران بوسیله ایستمن کداک اداره و حمایت می‌شد که دارای کادر متبحر در سطح جهانی و امکاناتی بود که می‌توانست مستقیماً یا از طریق شرکتهای فرعی در خدمت منافع رنگیران درآورد، و شرکتی بود که سابقه‌ای موفق و ۳۰ تا ۴۰ درصد بازار بلامنازع مصرف این محصولات را در بسیاری از کشورهای جهان در دست داشت. درواقع، چیزی در سوابق نیست که نشان دهد رنگیران تحت چنین مدیریتی و در صورت عدم مداخله [ایران]، شرکت موفق نمی‌ماند. علاوه بر آن، جنگ ایران و عراق و متعاقب آن سقوط قیمتهای نفت که بر اقتصاد ایران اثر گذاشت، در سال ۱۹۷۹ قابل پیش‌بینی نبود. بنابراین در سال ۱۹۷۹ انتظار آن می‌رفت که حتی بازاری وسیعتر از ارقام واقعی بازار که در اثبات سودآوری آتی رنگیران مورد استفاده خواهان قرار گرفت، برای محصولات متعارف عکاسی در ایران ایجاد شود. (۸)

(۸) طبق مفروضات محتاطانه خواهان، رنگیران در پایان سال ۱۹۸۲ قبل از مالیات مبلغ ۴/۶۵ میلیون دلار آمریکا در آمد کسب می‌کرد. علاوه بر آن، خواهان برای سالهای ۱۹۸۰ الی ۱۹۸۵ ارقام واقعی بازار را به کار برد رجوع کنید به: زیرنویس ۳ بالا، حال آنکه در سال ۱۹۷۹ انتظار می‌رفت که بازار محصولات عکاسی وسیعتر شود زیرا جنگ ایران و عراق و متعاقب آن سقوط قیمتهای نفت که بر اقتصاد ایران اثر گذاشت، قابل پیش‌بینی نبود.

به علاوه، از بررسی واقعیات پرونده و از فحواي تحليل خواهان از درآمدهای رنگیران، به نظر من برای بازپرداخت پیش‌پرداختها به ایستمن کداک، مدت پنجساله‌ای قابل قبول می‌باشد. باید دانست که مدت بازپرداخت هرچه طولانی تر فرض شود، بهمان نسبت خطر (ادامه زیرنویس در صفحه بعد)

۱۴ - طبق رویه حکم نهایی برای تعیین میزان خسارات وارده به ایستمن کداک، عامل اصلی عبارت از این خطر بود که ایستمن کداک در تاریخ مداخله [ایران] کلیه پیش‌پرداختهای خود بانضمام بهره قراردادی متعلق به آنها را، وصول نکند. به نظر من هیچ درجه‌ای از عدم اطمینان در مورد آینده رنگیران کاهشی حداکثر بیش از ۱۵ درصد از کل ارزش پیش‌پرداختها را توجیه نمی‌نماید. (۹)

س

۱۵ - من پس از انجام کاهشی معقول بابت امکان عدم وصول کل [پیش‌پرداختها]، بهره‌ای به نرخ ده درصد در سال نیز، طبق روال معمول شعبه سه، از تاریخ مداخله تا

(ادامه زیرنویس (۸) از صفحه قبل)
عدم پرداخت کمتر خواهد شد. اگر ایستمن کداک رنگیران یعنی شرکت فرعی خود را برای مدت ده سال یا بیشتر اداره می‌کرد، به حکم منطق رنگیران شرکت جاافتاده‌ای می‌شد که در طول آن مدت درآمدهایی ایجاد می‌کرد که می‌توانست صرف بازپرداخت پیش‌پرداختها شود. در این مورد انصاف نیست که فرض شود ایستمن کداک در مورد رنگیران به صورتی جز در حکم یک عامل معقول اقتصادی که سعی در بالا بردن حداکثر بازده سرمایه‌گذاری خود دارد، عمل نمی‌کرد.

بالاخره، در بررسی مبلغ حکم به ایستمن کداک به نظر من شایسته نیست فرض شود که احتمال داشت ایستمن کداک تصمیم می‌گرفت که پیش‌پرداختها فوراً "بازپرداخت نشود و بجای آن عواید سرمایه‌گذاری خود را در رنگیران از طریق اقدامات دیگری مانند صدور سود سهام تحصیل نماید. البته ایستمن کداک به عنوان شرکت مادر می‌توانست بنا به دلایل استراتژیکی خود چندین راه را برای کسب عواید سرمایه‌گذاری خود در رنگیران پیش‌گیرد: می‌توانست ترتیبی دهد که پیش‌پرداختها در اسرع وقت ممکن بازپرداخت شود، یا آنها را به سهام سرمایه تبدیل کرده و سود سهام پرداخت نماید، یا در صورتی که میزان تورم پایین بود، ترجیح می‌داد که پیش‌پرداختها را برای مدت طولانی تری بلاپرداخت بگذارد. لیکن کلیه این احتمالات جنبه حدس و گمان داشته و هیچ ربطی به موضوع اصلی بحث ما که حقوق مالکانه ایستمن کداک بر اثر مداخله چگونه لطمه دیده، ندارد. بنابراین در برآورد زیان متحمله ایستمن کداک، شقوق احتمالی استراتژیک خود کداک را نباید به عنوان مبنایی برای کاهش بازهم بیشتر اصل مبلغ پیش‌پرداختها در نظر گرفته بدانوسیله مبلغ حکم صادره به نفع ایستمن کداک را کاهش داد.

(۹) این کاهش همانند تنزیل اوراق قرضه است که با ملاحظه وضع بازار تصمیم می‌گیرند که اوراق قرضه‌ای باید به بهای کمتری از ارزش اسمی آن فروخته شود.

تاریخ صدور دستور پرداخت از طرف کارگزار امانی از حساب تضمینی محاسبه می‌کردم. ده درصد نرخ مناسبی است که اعمال گردد زیرا طبق فرضیه پرداخت غرامت مندرج در حکم نهایی، آنچه که به نفع کدک حکم داده می‌شود ارزش دیون از دست رفته مندرج در قرارداد نیست، بلکه بابت از دست رفتن احتمال بازپرداخت این پیش‌پرداختها است. علاوه بر آن، اشاره به این پیش‌پرداختها تنها در کوشش برای شروع به برآورد مقدار خسارات وارده به ایستمن کدک به عنوان سهامدار اکثریت رنگیران به عمل می‌آید. باتوجه به استحکام این فرضیه، متناقض است که از یکسو حکم به کل اصل مبلغ پیش‌پرداخت نداد، بر این اساس که این مبالغ تنها نقطه آغاز جبران خسارات وارده به ایستمن کدک است، و با این وصف، از سوی دیگر، نرخ بهره قراردادی را نسبت به مبلغ حکم اعمال نمود. با این وجود، این دقیقاً همان کاری است که حکم نهایی کرده است.

۱۶ - در پایان، دلیلی برای امتناع از پرداخت هزینه‌های داوری ایستمن کدک، نمی‌بینم. خواهان سوگندنامه‌ای تسلیم کرده که ۶۸۷،۴۴۴ دلار امریکا هزینه‌های داوری [وی] را ثابت می‌کند و ضمناً از لحاظ اینکه حکمی به نفع وی صادر شده، برنده دعواست. بنابراین، از جهت رعایت عدل و انصاف، من به کلیه هزینه‌های غیر حقوقی خواهان بالغ بر ۹۱،۴۴۴ دلار امریکا و حداقل ۲۰۰،۰۰۰ دلار امریکا به عنوان حق‌الوکاله "معقول" حکم می‌دادم. رجوع شود به: حکم شماره ۳-۱۲۹-۳۰۹ مورخ ۱۱ تیرماه ۱۳۶۶ [دوم ژوئیه ۱۹۸۷] صادره در پرونده سدکوه، اینکورپوریتد و شرکت ملی نفت ایران منتشره در 15 Iran-U.S. C.T.R. 23,184 (دیوان به ملاحظه اینکه خواهان "در قسمت اعظم دعاوی خود در دیوان حاکم شده" حکم به پرداخت کامل هزینه‌های انجام شده و مبلغ معقولی به عنوان حق‌الوکاله داد).

لاسه، به تاریخ دهم تیرماه ۱۳۷۰ [اول ژوئیه ۱۹۹۱]

Charles N. Brant

چارلز ان. براونر